

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.12.6

Historical Geography of Guilan Cities in Trends of Tourism

Mohammadtaghi Rahnemai¹, Seyed Mehdi Musakazemi², Seyed Ali Hosseini³ & Behnaz Pourkhodadad*⁴

1. Associate Professor, Dep. of Geography & Urban planning, Tehran University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Dep. of Geography & Urban planning, Payam-E Noor University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Dep. of Geography & Urban planning, Payam-E Noor University, Tehran, Iran

4. Ph.D Student in Geography & Urban Planning, Payam E Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: mpourkhodadad@yahoo.com

Receive Date: 11 September 2021

Accept Date: 14 January 2022

ABSTRACT

Introduction: Cities are important tourist destinations. Many tourists visit historical monuments during their travels. But in many cases, they do not have much information about their historical geography. For this reason, they do not have deep perceptions of cities. Cities have been one of the most important social fields, throughout history, that Many historical, political and cultural challenges have occurred in them, that following these challenges, the location of cities has moved. Some of them have lost their role and importance due to natural and historical events, and perhaps cities that have gained new importance following a political decision.

Research aim: This article tries to analyze the cities of Rasht, Lahijan, Fooman, Bandar Anzali and Talesh from the perspective of historical geography And define spatial-historical developments these cities with the aim of amplifying a deeper view of them. In order to get acquainted with the historical and cultural aspects of these cities and introduce them to tourists, Cultural-historical tourism should also be formed in this province.

Methodology: The research method is documentary and field observations and the historical maps of these cities have been used to explain their historical geography.

Studied Areas: cities of Rasht, Lahijan, Fooman, Bandar Anzali and Talesh in the Guilan province.

Results: Guilan is one of the most important tourist destinations in Iran. But the main motivation of tourists is mainly to use the natural attractions of Guilan. For example, Few people know how the two cities of Lahijan in Guilan Biebish and Fooman in Giulan Biepas, where the seat of government, have given up their role to a small town; Rasht. following a political decision, Or how a fishing village called Anzali is formed into a port and a tourist city and this city becomes a refuge for expelled Polish, Russian and Armenian immigrants, or how with the limitation of political and economic relations between Iran and the former Soviet Union, Karganrood and its inhabitants are moving to the current location of Hashtpar, which is one of the most active cities in the province today.

Conclusion: Guilan province is considered as one of the northern and touristic provinces of Iran, and what has attracted tourists to the cities of this province so far, according to field observations, has been its beautiful and unique nature, while many of its historical capacity are still unknown and one of the most important reasons is the lack of familiarity with the history and historical geography of these areas. This study expresses the historical geography and tourism capacities, especially cultural-historical capacities in the cities of Guilan province so that local people as well as cultural-historical tourists become more familiar with the history of this cities and its attractions and pave the way for the development of this type of tourism in the province.

KEYWORDS: Guilan Cities, History, Historical Geography, Tourism



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱

شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵X-۲۵۳۸

<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

صص. ۶۴۴-۶۲۹

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.12.6

مقاله پژوهشی

جغرافیای تاریخی شهرهای گیلان از منظر گردشگری

محمد تقی رهنمایی^۱، سیدمهدی موسی کاظمی^۲، سیدعلی حسینی^۳ و بهناز پورخداداد^{۴*}

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: mpourkhodadad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۰ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۴ در ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: شهرها از مقصدهای مهم گردشگری‌اند و بسیاری از گردشگران در سفرهای گردشگری از آثار و بناهای تاریخی آنها بازدید می‌کنند. لیکن در بسیاری موارد، از پیشینه‌ی جغرافیای تاریخی آنها چندان اطلاعاتی ندارند. به همین دلیل به نوعی از ادراکات سطحی درباره‌ی شهرها بسنده می‌کنند. شهرها در طول تاریخ از اصلی‌ترین عرصه‌های اجتماعی بوده‌اند که بسیاری از چالش‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی در آنها رخ داده است. چه بسا که به دنبال این چالش‌ها، محل شهرها جابه‌جا شده، برخی نقش و اهمیت خود را از دست داده‌اند و چه بسا شهرهایی که به دنبال یک اراده‌ی سیاسی، اهمیت تازه‌ای پیدا کرده‌اند.

هدف: این مقاله سعی دارد، شهرهای رشت، لاهیجان، فومن، بندرانزلی و تالش را از منظر جغرافیای تاریخی واکاوی کرده و تحولات فضایی، تاریخی آن‌ها را با هدف تقویت نگرش عمیق‌تر آنان به این شهرها به تصویر بکشد، و با بهره‌گیری از جغرافیای تاریخی و به تبع آن معرفی ظرفیت‌های فرهنگی - تاریخی شهرهای گیلان، گردشگری فرهنگی - تاریخی نیز در این استان شکل گیرد.

روش‌شناسی تحقیق: روش تحقیق به صورت اسنادی و مشاهدات میدانی بوده و از نقشه‌های تاریخی این شهرها برای تبیین جغرافیای تاریخی آن‌ها استفاده شده‌است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: شامل شهرهای رشت، لاهیجان، فومن، بندرانزلی و تالش در محدوده‌ی جغرافیایی استان گیلان است.

یافته‌ها: گیلان از مهم‌ترین مقصدهای گردشگری ایران است. اما انگیزه‌ی اصلی گردشگران عمدتاً استفاده از جاذبه‌های طبیعی گیلان است. کمتر کسی می‌داند که چگونه دو شهر لاهیجان در گیلان بیه پیش و فومن در گیلان بیه پس، که روزگاری مقر حکومت بوده‌اند، به دنبال یک اراده‌ی سیاسی، نقش خود را به شهری کوچک، یعنی رشت واگذار کرده‌اند و یا اینکه از تبدیل یک صیدگاه ساحلی به نام انزلی، چگونه یک شهر بندری و گردشگری پذیر شکل می‌گیرد و همین شهر پناهگاه مهاجرین رانده شده‌ی لهستانی، روسی و ارمنی می‌شود و یا اینکه با محدود شدن روابط سیاسی و اقتصادی ایران و شوروی سابق، بندر گرگانرود از رونق افتاده و ساکنین آن به محل فعلی هشتپر کوچ می‌کنند که امروز از فعال‌ترین شهرهای استان است.

نتایج: استان گیلان به عنوان یکی از استان‌های شمالی و گردشگری پذیر ایران مطرح است و آنچه تاکنون با توجه به مشاهدات میدانی، باعث جلب و جذب گردشگر به شهرهای این استان شده است، طبیعت زیبا و منحصر به فرد آن بوده است، در حالی که با توجه به قدمت تاریخی سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی استان گیلان، بسیاری از ظرفیت‌های تاریخی اعم از جاذبه‌ها، آداب، رسوم و فرهنگ، وقایع و یادمان‌های تاریخی و هم چنین تاریخ شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های شهری و تغییراتی که به مرور زمان در کالبد و ریخت‌شناسی این شهرها شکل گرفته است، برای بسیاری از گردشگران و حتی مردم بومی گیلان ناشناخته است و یکی از مهم‌ترین دلایل آن عدم آشنایی با تاریخ و جغرافیای تاریخی این مناطق است. این پژوهش به بیان جغرافیای تاریخی و ظرفیت‌های گردشگری مخصوص ظرفیت‌های فرهنگی - تاریخی در شهرهای استان گیلان پرداخته تا افراد بومی و همچنین گردشگران فرهنگی - تاریخی با تاریخ این مرز و بوم و جاذبه‌های آن بیشتر آشنا شده و زمینه‌ساز توسعه‌ی این نوع از گردشگری در استان شود.

کلید واژه‌ها: تاریخ، جغرافیای تاریخی، شهرهای گیلان، گردشگری

مقدمه

استخوان‌بندی اصلی این مقاله بر سر موضوع شهر، جغرافیای تاریخی و گردشگری استوار است و کوشش دارد بین آنها نوعی ارتباط عملکردی برقرار سازد. شهر یا مدن و یا Civil، خاستگاه تمدن بشری است. موضوع شهر و شهرشناسی در ایران، بیشتر از جنبه‌های معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار گرفته است. شهر ظرفی است برای مظلوف انسان که در کالبد آن به زیست و معیشت می‌پردازند. اما در همین حال کالبد شهرها و انسان ساکن در آنها مظلوف ظرف جغرافیا یا بستر زمین هستند. از این رو نوعی رابطه‌ی ظرف و مظلوفی میان شهر، جمعیت و فضای جغرافیایی وجود دارد.

جغرافیای تاریخی در تعاریف و مفاهیم جدید خود عمدتاً به تحولات چشم‌اندازهای طبیعی و انسان‌ساخت در گذر زمان می‌پردازد (رهنمایی، ۱۳۹۶: ۷۲۷). برخلاف مفاهیم سنتی که در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی لسترینج در اذهان نقش بسته و تعاریفی که در برخی کتاب‌ها از آن ارائه شده، امروزه به جنبه‌های کاربردی جغرافیای تاریخی بیشتر توجه می‌شود. سیمای شهرها در مقایسه با چشم‌اندازهای طبیعی سریع‌تر دچار تغییر و تحول می‌شود. در همین حال بسیاری از رخدادهای تاریخی در شهرها اتفاق می‌افتند. به عبارتی می‌توان گفت که رخداد تاریخی در بستر جغرافیایی شکل می‌گیرند که دارای ویژگی‌های جغرافیایی خاصی هستند. جغرافیای تاریخی نه تاریخ علم جغرافیاست و نه جغرافیای تاریخ، بلکه یک دانش میان رشته‌ای است، که امروزه در بسیاری از کشورها و مناطق جهان به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل شده است.

پیش از جنگ جهانی دوم، جغرافیای تاریخی از سوی جغرافی‌دانان با تاریخ علم جغرافیا مترادف دانسته می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، جغرافیای تاریخی در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. در واقع مبدأ جغرافیای تاریخی امروزی به دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی و نظرات داربی بر می‌گردد (بیک‌محمدی، ۱۳۸۶: ۹-۷). برای تبیین جغرافیای تاریخی نیازمند یک مدل مفهومی هستیم. اجزای مدل مفهومی جغرافیای تاریخی عبارتند از: انسان، بستر جغرافیایی، زمان و فعالیت‌های زیست و معیشت. جغرافیای تاریخی نه مانند تاریخ، یک سلسله است و نه مانند جغرافیا یک پدیده‌ی نسبتاً ثابت، بلکه روندی است مستمر و خطی که در هر مقطع زمانی از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژی و رفتاری زمانه‌ی خود تأثیر پذیرفته و متناسب با نیازهای زمانه، منظر جغرافیایی را چهره‌پردازی جدیدی می‌بخشد. شناخت این بردارها و عوامل اثرگذار و آشنایی با مکانیزم‌های تجربه شده در آن می‌تواند مهم‌ترین حرکت در تبیین جغرافیای تاریخی باشد (رهنمایی، ۱۳۹۶: ۷۸۷).

گردشگری به‌عنوان سومین موضوع مطرح در این مقاله، تحولات کمی و کیفی که به خود دیده، بزرگ‌ترین جابه‌جایی جغرافیایی جمعیت در تاریخ بشریت است. اینکه امروزه بیش از ۱٫۵ میلیارد نفر از جمعیت کره‌ی زمین به سفرهای گردشگری می‌پردازند، رخداد جدیدی در رفتار انسان امروزی هست. در این میان همیشه شهرها از مقصدهای مهم گردشگری بوده و هستند. چه بسا که در آنها بناهای تاریخی، میدین، بازارها، پل‌ها و محله‌های قدیمی مورد توجه و بازدید گردشگران قرار می‌گیرند.

مطرح کردن جغرافیای تاریخی شهرها و ارتباط آن با گردشگری در ایران موضوع جدیدی است. اما در کشورهای غربی از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. چراکه در شهرهای تاریخی اروپا، بعد از پایان جنگ دوم جهانی، کوشش شد که محله‌های قدیمی با هویت تاریخی باززنده‌سازی شده و امروزه به یکی از پرچم و جوش‌ترین عرصه‌های شهری تبدیل شوند. در ایران نیز جسته و گریخته و در چارچوب باززنده‌سازی محله‌های قدیمی مانند اطراف کلیسای وانک اصفهان، خیابان تربیت تبریز یا میدان شهرداری رشت، کوشش شده هویت و عملکرد جدیدی برای این محله‌ها و خیابان‌های آن تعریف شود.

استان گیلان به‌ویژه شهرهای آن از مقصدهای مهم گردشگری ایران به شمار می‌روند و هر ساله گردشگران زیادی به این استان سفر می‌کنند. در نتیجه‌ی همین سفرها هست که برخی از روستاهای آن مانند چمخاله، ماسوله، کیاشهر، کلاچای و چاپکسر به شهر تبدیل شده‌اند. از منظر تاریخی شهرهای فومن و لاهیجان که روزگاری حاکم‌نشین‌های گیلان بیه‌پس و بیه‌پیش بودند، نقش خود را به رشت که در مقایسه با آنها آبادی کوچکی بوده واگذار کرده‌اند. بندرانزلی هم که دهکده‌ی صیادی کوچکی بیش نبوده به بندرگاهی مهم و دومین شهر پرجمعیت استان تبدیل می‌شود و یا بازار ساحلی کرگانرود به‌دنبال محدود شدن روابط اقتصادی و سیاسی ایران و شوروی سابق به محل جدیدی در کنار جاده انتقال می‌یابد که امروزه هشتر یا تالش نامیده می‌شود.

گردشگران امروزی این استان که روزگاری برای استفاده از ساحل دریا، رودخانه‌ها و جنگل‌های سرسبز و تالاب‌ها به این استان سفر می‌کردند، امروزه علاقه‌مند هستند از شهرهای این استان بازدید کنند. اما از روند شکل‌گیری، فلسفه‌ی وجودی، علت مکان‌یابی آنها در این مکان، نقشی که در تاریخ تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته‌اند اطلاع چندانی ندارند و حتی با

اماکن و جاذبه‌های تاریخی که در شهرهای این استان وجود دارند، آشنایی ندارند. هدایت کردن گردشگران از تماشا به درک و شناخت شهرها از جمله راهکارهایی است که می‌تواند گردشگری فرهنگی را در این استان تقویت کرده و جایگاه آن را ارتقاء بخشد. بدین منظور پنج شهر از شهرهای استان که از جنبه‌های جغرافیای تاریخی و مقصد گردشگری، اهمیت بیشتری دارند، انتخاب شده و جغرافیای تاریخی آنها با رویکرد گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است. در زمینه‌های گردشگری فرهنگی - تاریخی و گردشگری شهری در استان گیلان تاکنون مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده است، که عمدتاً جنبه‌ی کلی‌گویی دارند. لیکن شهرهای گیلان از جنبه‌ی ظرفیت‌های گردشگری با رویکرد جغرافیای تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در خصوص جغرافیای تاریخی شهرهای گیلان و ارتباط آن با گردشگری تا کنون تحقیق سازمان یافته‌ای در استان گیلان صورت نپذیرفته است و فقط به صورت موردی به بعضی از ظرفیت‌های فرهنگی - تاریخی استان اشاره شده است. مثلاً یاسوری و همکاران، با تاکید بر اقامت کوتاه گردشگران در شهر رشت، توجه به جاذبه‌های فرهنگی - تاریخی و آداب و رسوم فرهنگی را برای افزایش ماندگاری آنان در رشت توصیه کرده‌اند (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۰). در مواردی نیز به بازسازی محله‌های قدیمی رشت مانند محله‌ی ساغریسازان و نقش آن در توسعه‌ی گردشگری شهری اشاره کرده‌اند. لیکن به اهمیت جغرافیای تاریخی این محله‌ها، چندان توجهی نداشته و به نظر می‌رسد صرفاً دید کالبدی و فیزیکی این محله‌ها مورد نظر بوده است (حقدوست، ۲۰۱۲).

روش پژوهش

روش تحقیق به صورت اسنادی و مشاهدات میدانی بوده و از نقشه‌های تاریخی شهرهایی که موجود بودند، برای تبیین جغرافیای تاریخی آنها استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان گیلان با ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع مساحت، یکی از سه استان ساحلی است که در کنار دریای خزر واقع شده و از کوچکترین استان‌های کشور به‌شمار می‌رود. این استان بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، دارای ۱۶ شهرستان و ۵۲ شهر است. استان گیلان بنا بر آمار موجود در سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۹۵، دارای ۲٬۵۳۰٬۶۹۶ نفر جمعیت است که از این تعداد ۱۶۰۳۰۲۶ نفر برابر با ۶۳٫۳۴ درصد در مناطق شهری استان و ۹۲۷۶۷۰ نفر، برابر با ۳۶٫۶۵ درصد نیز در مناطق روستایی استان گیلان سکونت دارند (سالنامه‌ی آماری استان گیلان، ۱۳۹۵) (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی استان گیلان

یافته‌ها و بحث

مروری بر جغرافیای تاریخی گیلان

سیر فرهنگ و تمدن در استان‌های ساحلی دریای کاسپین با آنچه که در فلات ایران و آذربایجان طی شده متفاوت است. جغرافیای طبیعی این منطقه ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که در هیچ منطقه‌ای از ایران، نظیر آن وجود ندارد. در این منطقه رودخانه‌ها مرزهای قومی، زبانی، سیاسی و فرهنگی را از یکدیگر جدا می‌کنند. ارتفاعات کوهستانی، جنگل‌های انبوه، بیشه‌زارها، رودخانه‌های خروشان و زمین‌های باتلاقی تا گذشته‌های نه‌چندان دور، از عوامل مشکل‌آفرین در برقراری ارتباط با نواحی مرکزی ایران بوده‌اند. به تعبیری می‌توان گفت با ظهور سلسله‌ی صفویان، که تعلق خاطر خاصی به مازندران، گیلان و تالش داشتند، این بخش از کشور، مناسبات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی با ساکنین فلات داخلی ایران نداشتند. به‌همین دلیل هم تا حدودی از فراز و فرودهای نظامی، سیاسی و تاریخی ایران به دور ماندند. توجه خاص حکومت‌های مرکزی به این منطقه از دوره‌ی نادرشاه افشار آغاز می‌شود که کوشش داشت برای مقابله با روسیه نیروی دریایی در دریای کاسپین ایجاد نماید. بیشتر از آن صفوی‌ها برای رفت و آمد بین لاهیجان و اردبیل و تقویت نفوذ خود در گیلان راه کاروان‌رویی از آستارا تا انزلی و رشت احداث کردند که در دوره‌ی نادری تغییر و به جاده‌ی نادری معروف شد. جاده‌ی امروزی بین رشت، انزلی، تالش و آستارا بر روی همین جاده‌ی نادری ساخته شده است.

استان گیلان به سه واحد عمده‌ی طبیعی تقسیم می‌شود: جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی. این سه ناحیه به دلیل شرایط متفاوت اقلیمی و جغرافیایی برای ساکنین گیلان عملکرد تکمیلی داشته و دارند. تمدن‌های پیش از تاریخ مانند مریان، وسکه و دیلمان در ناحیه‌ی کوهستانی شکل گرفته‌اند. در حالی که تمدن مارلیک در ناحیه‌ی کوهپایه‌ای رونق پیدا کرده و بدون تردید اگر بقایای تمدن‌های قدیمی در نواحی اشکورات، دیلمان، رودبار، ماسال، تالش‌دولاب و کرگانرود مورد پژوهش و حفاری قرار بگیرند، اطلاعات ما از جغرافیای تاریخی این منطقه به مراتب غنی‌تر خواهد شد.

با موتوریزه شدن وسایط نقلیه در ایران که عملاً از سال ۱۹۲۳، آغاز شد و توسعه‌ی راه‌های شوسه بین تهران با گیلان و مازندران توجه ساکنین شهرهای مرکزی ایران به‌ویژه تهران، قزوین، اصفهان، مشهد، زنجان، همدان، تبریز و دیگر شهرها به این سرزمین سرسبز و ساحلی بیشتر شد. گیلان که روزگاری تبعیدگاه مغضوبین حکومتی، به‌دلیل مالاریا و هوای سنگین شرجی بود، به‌تدریج از انزوای جغرافیایی بیرون آمد. ناگفته نماند که کاهش سطح روابط تجاری ایران با شوروی سابق و بسته شدن مرزها، مبادلات کالایی با روسیه به شدت کاهش یافت و به‌دنبال آن ارتباط تجاری، سیاسی و فرهنگی گیلان با مرکز تقویت شد. گذشته از آن تلاش‌های روسیه و سپس شوروی برای جدا کردن استان‌های ساحلی از ایران و حمایت از شورشیان محلی با انواع شعارهای فریبنده، مردم را از اهداف پشت پرده آن‌ها آگاه ساخت و دریافتند که گیلان بدون ایران و ایران بدون گیلان نمی‌تواند متصور شود. با توسعه‌ی تجارت بین شهرهای گیلان و دیگر شهرهای ایران، شهرنشینی و اقتصاد منطقه رونق بیشتری گرفت. کالاهایی مانند نفت، بنزین، قند، شکر، چکمه، گالوش که روزگاری از روسیه و سپس شوروی وارد می‌شدند، پس از برقراری آرامش و تثبیت حکومت مرکزی، از تهران و دیگر شهرهای ایران به گیلان می‌رسیدند. برنج، ابریشم، موم، عسل، ماهی و دیگر محصولات کشاورزی که می‌توانستند با وسایط نقلیه‌ی موتوری سریع‌تر به بازارهای مصرف شهرهای کشور برسند، به توسعه‌ی مبادلات کالایی بین گیلان و دیگر استان‌های کشور کمک شایانی کرد. احداث پل‌ها روی رودخانه‌ها و بهسازی راه‌های شوسه‌ی بین‌شهری، تعامل‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای گیلان و دیگر شهرهای کشور را رونق بخشید. بدین ترتیب بود که شرکت‌های مسافربری مانند ت-ت-ت (TCC) و سپس لوان‌تور و تی‌بی‌تی، سرویس‌های مسافربری بین رشت و تهران را برقرار کردند. تقریباً از دهه‌ی ۱۳۳۰ به‌بعد سواحل دریایی گیلان، به‌ویژه در بندرانزلی توجه بخشی از طبقه‌ی متوسط کشور را برای سفرهای گردشگری، به خود جلب کرد. طی سال‌های بعد با توسعه‌ی ارتباطات، حجم سفرهای گردشگری رونق بیشتری گرفت، تا اینکه امروزه گیلان به یکی از اصلی‌ترین مقصدهای گردشگری ایران تبدیل شده است.

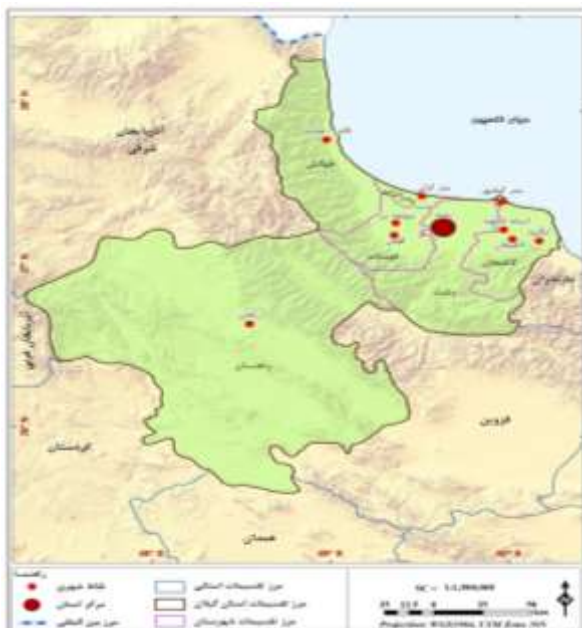
از بعد آسیب‌شناسی گردشگری در این استان می‌توان به توجه اندک گردشگران به پیشینه‌ی تاریخی و جغرافیای تاریخی شهرهای آن اشاره کرد. چراکه گردشگران امروزی همانند گذشته بیشتر به جاذبه‌های طبیعی این استان توجه دارند و کمتر گردشگری نسبت به تاریخ این شهرها، علت مکان‌یابی آن‌ها در این مکان، رویدادهایی که در محله‌ها و کوی‌ها اتفاق افتاده توجه و علاقه‌ای نشان می‌دهد. این در حالی‌ست که ساختار اجتماعی و فرهنگی نسل‌ها و نیازهای آنان برای درک ویژگی‌های مقصد، از

مرز دیدن و تماشاکردن فراتر رفته است. آنان می‌خواهند شهرها و مردمان ساکن در آن‌ها از نزدیک بشناسند و اغلب از خود سؤال می‌کنند که چرا شعله‌های انقلاب مشروطیت تنها در دو شهر رشت و تبریز افروخته ماندند، یا حضور لهستانی‌های رانده شده توسط حکومت شوروی و ارامنه در شهرهای رشت و انزلی چه اثرات فرهنگی و اجتماعی داشته است. چگونه است که این اقلیت‌ها در شهرهای گیلان گورستان، مدرسه و کلیسای خود را داشته‌اند. آیا در شهرهای گیلان هم این همشهریان مانند اصفهان و تبریز محله‌های خاص خود را داشتند، یا اینکه آنان هم مانند سایر شهروندان در کنار هم زندگی می‌کردند؟

اینکه یک روستای کوچک ماهیگیری به نام انزلی که خود جزئی از روستای دیگری به نام کولیور بود، طی مدت کوتاهی به بزرگ‌ترین بندر و مهم‌ترین مقصد گردشگری استان تبدیل می‌شود و جغرافیای شهری آن به دلیل مهاجرپذیری منظر دیگری پیدا می‌کند که یک رخداد طبیعی بوده، یا اینکه تاریخ در بستر جغرافیایی خود، نوعی بهینه‌گزینی برای تبیین جغرافیای تاریخی این شهر انجام داده است. چگونه است که دو شهر لاهیجان و فومن که حاکم نشینان دو سوی سفیدرود بوده‌اند، نقش مرکزی و سیاسی - اداری خود را به رشت واگذار می‌کنند و یا اینکه چه حادثی پیش آمد که بازار قدیمی کرگانرود که رابینو، نیکیتین یا خوچکو آن را توصیف کرده‌اند، به یکباره شش کیلومتر از محل خود جابه‌جا شده و به محل امروزی شهر تالش منتقل می‌شود. همه‌ی این سؤالات که بیشتر بار جغرافیای تاریخی دارند، امروزه در ذهن گردشگران مطرح می‌شود، اما پاسخی برای آن‌ها نمی‌یابند. مقاله‌ی حاضر کوشش دارد که با این مقدمه‌چینی‌ها، جغرافیای تاریخی پنج شهر انتخابی را به‌عنوان نمونه و در حد امکان مورد بحث قرار داده و از آن به‌عنوان شیوه‌ای برای تغذیه‌ی فکری گردشگران با اهداف تقویت گردشگری فرهنگی و تاریخی در کنار گردشگری طبیعت‌گردی استفاده نماید.

شهرشناسی تاریخی استان گیلان

در سال ۱۳۳۵، بر اساس اولین سرشماری رسمی جمعیت که در ایران و به تبع آن در استان گیلان انجام شد، این استان دارای ۱۰ نقطه‌ی شهری بود که عبارت بودند از: رشت، بندرانزلی، لاهیجان، لنگرود، آستانه‌ی اشرفیه، فومن، صومعه‌سرا، آستارا، رودسر و هشت‌پر که رشت با ۱۰۹۴۹۱ نفر پرجمعیت‌ترین شهر استان و بندرانزلی با ۳۱۳۴۹ نفر به عنوان شهر دوم استان و لاهیجان نیز که روزی به عنوان مرکز گیلان شرقی بود و جمعیت بسیار زیادتری نسبت به رشت و بندرانزلی داشت، با ۱۹۸۸۷ نفر به عنوان شهر سوم استان مطرح بود. با تقویت نقش بندرانزلی و رشت که از طریق محور رشت - قزوین با پایتخت ارتباط راحت‌تری داشت و هم به واسطه‌ی فعالیت بندری انزلی و ارتباط با اروپا، روز به روز این دو شهر جلگه‌ای گیلان از رشد و توسعه‌ی بیشتری برخوردار می‌شدند و هم‌چنین بارگزاری جمعیت و فعالیت بیشتری در آنها بخصوص در نواحی جلگه‌ای گیلان صورت می‌پذیرفت و شهرهایی مانند لاهیجان و فومن که روزی مرکز گیلان شرقی و گیلان غربی بودند، رفته‌رفته منزوی‌تر و کوچک‌تر می‌شدند.



شکل ۲. تقسیمات سیاسی - اداری و جغرافیایی استان گیلان (۱۳۳۵)

در سال ۱۳۳۵، هشتپنر با ۳۳۵۴ نفر، کم‌جمعیت‌ترین شهر استان بود. سایر شهرهای استان در این سال عبارت بودند از: لنگرود، آستانه‌ی اشرفیه، فومن، صومعه‌سرا، آستارا و رودسر. از سال ۱۳۳۵ تاکنون، دو شهر رشت و بندرانزلی به عنوان مهم‌ترین شهرهای استان گیلان، با رشد، توسعه و جمعیت بیشتری نسبت به سایر شهرها در نظام شهری استان گیلان، نقش آفرینی می‌کنند (نقشه‌ی ۲). در سال ۱۳۴۵، با توجه به اینکه هم چنان نقطه‌ای شهر محسوب می‌شد که دارای ۵۰۰۰ هزار نفر جمعیت باشد، ۳ شهر به بدنه‌ی جغرافیایی استان گیلان اضافه شد؛ رودبار، کیاشهر و املش و در مجموع تعداد شهرهای استان به ۱۳ مورد رسید. در این سال نیز همچنان شهرهای رشت، بندرانزلی و لاهیجان، از لحاظ جمعیتی رتبه‌های اول تا سوم را داشتند. در سال ۱۳۵۵، تعداد شهرهای استان گیلان به ۱۹ مورد رسید، روستاهایی که در این دوره تبدیل به شهر شدند عبارتند از: ماسال، سیاهکل، چابکسر، کلاچای، لشت نشاء و منجیل. در این دوره نیز هم چنان شهرهای رشت، بندرانزلی و لاهیجان پرجمعیت‌ترین شهرهای استان بودند. در سال ۱۳۶۵، ۱۲ روستا در استان گیلان به شهر تبدیل شدند و تعداد شهرهای استان گیلان به ۳۱ رسید. این روستاها عبارت بودند از: کومله، رضوانشهر، شفت، خمام، پره سر، لوشان، رحیم‌آباد، ماسوله، خشکیبجار، واجارگاه، سنگر و کوچصفهان. شهرهای رشت، بندرانزلی و لنگرود سه شهر پرجمعیت استان در این دوره بودند. در سال ۱۳۷۵، ۳ روستای تولم شهر، رستم‌آباد، شلمان به بدنه‌ی شهری استان اضافه شدند و استان گیلان دارای ۳۴ شهر شد. در این دوره نیز سه شهر رشت، بندرانزلی و لنگرود پرجمعیت‌ترین شهرهای استان بودند و در سال ۱۳۸۵، به یکباره، تعداد شهرهای استان از ۳۴ شهر در سال ۱۳۷۵، به ۴۹ شهر در سال ۱۳۸۵ رسید. روستاهای لوندویل، حویق، لیسار، اسالم، بازار جمعه، گوراب زمیخ، رودبند، احمد سرگوراب، اطاقور، رانکوه، دیلمان، توتکابن، پره سر، جیرنده و چوبر در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، به شهر تبدیل شدند. در سال ۱۳۹۵، ۳ شهر دیگر به استان گیلان اضافه شدند که عبارتند از: ماکلوان، لولمان و چاف و چمخاله و تعداد شهرهای استان گیلان به ۵۲ رسید. شهرهای رشت، بندرانزلی و لاهیجان در حال حاضر سه شهر پر جمعیت در استان گیلان هستند.^۱

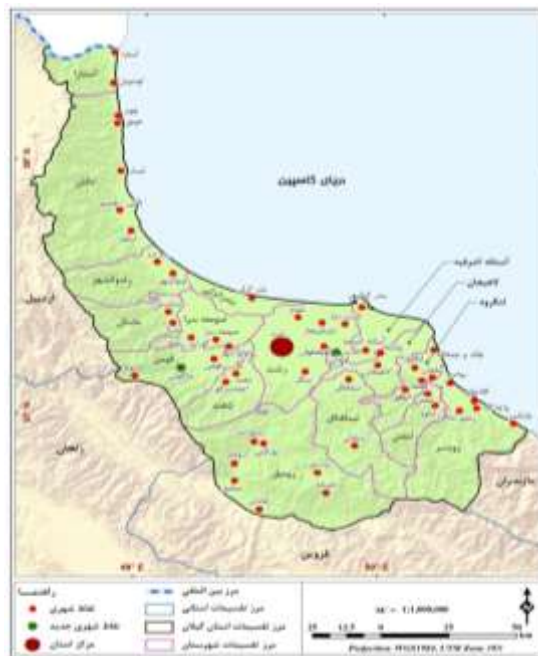
اتفاق مهمی که در اواخر دوره‌ی قاجاریه و اوایل دوره‌ی پهلوی در نظام شهری گیلان رخ داد و البته روندی بود که از دوره‌ی صفویه آغاز شد و خیلی آرام می‌رفت تا تأثیر خود را در کم‌اهمیت شدن شهرهای تاریخی گیلان بگذارد؛ توجه به ناحیه و شهرهای جلگه‌ای گیلان بود که روز به روز بر تعداد جمعیت و نقاط شهری اشان افزوده می‌شد و علاوه بر نقش‌های تجاری - بازرگانی و اقتصادی که دو شهر جلگه‌ای رشت و بندرانزلی در شبکه‌ی شهری استان داشتند، به واسطه‌ی ویژگی ممتاز طبیعی‌شان، چون نزدیکی با دریا و جنگل و محورهای ارتباطی مهم، گردشگران داخلی و خارجی را به سمت خود جذب می‌کردند و باعث شد تا به تدریج شهرها و نقاط کوهستانی استان گیلان که آغازگر زندگی یکجانشینی و شاید مدنیت در گیلان بودند و دارای جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری نیز هستند، منزوی شوند؛ شهرهایی چون لنگرود، جیرنده، رودسر، رودبار، منجیل و... که باعث شد این شهرها به اندازه‌ی شهرهایی چون بندرانزلی و رشت که دارای قدمت تاریخی کمتری نسبت به آنها هستند، از اهمیت کمتری برخوردار شوند و این روند تاکنون نیز ادامه دارد. استان گیلان علاوه بر تاریخ چند هزارساله، از لحاظ ریخت‌شناسی کالبدی نیز از گذشته‌های دور دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بوده است که اطلاع از آن و شرح و وصف آن برای گردشگران فرهنگی - تاریخی می‌تواند جالب باشد.

وقتی به ریخت‌شناسی شهرهای فلات مرکزی ایران توجه می‌کنیم، می‌بینیم که توپوگرافی زمین همواره به صورت مسطح و هموار بوده است و این باعث می‌شد تا برای جلوگیری از ورود متجاوزان، گرداگرد شهر، برج، بارو یا دیوار بکشند و این باعث می‌شد تا کالبد این شهرها حالت تدافعی^۲ یا بسته داشته باشد و نمونه‌اش را امروزه در بسیاری از شهرهای ایران مانند شیراز، اصفهان، تهران و... می‌بینیم که دارای دروازه بودند. ولی در شهرهای شمالی مانند گیلان، کاملاً متفاوت و برعکس بود؛ استان گیلان به دلیل برخورداری از عوامل طبیعی چون، کوه، دریا و جنگل‌های انبوه و مرتفع، همواره دارای کالبدی غیرتدافعی^۳ و در اصطلاح باز بوده است. عوامل طبیعی در شهرهای این استان همیشه به صورت یک محدودیت در برابر متهاجمان عمل می‌کرده، بنابراین شهرهای گیلان فاقد، دروازه، برج و بارو بوده‌اند.

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص شبکه‌ی شهری استان گیلان، نقشه‌ها و جداول آماری جمعیت (از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵) لطفاً مراجعه کنید به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد بهنام پورخداداد، با نام "مطالعه آسیب‌شناسانه‌ی سلسله مراتب شهری در استان گیلان" که در دانشگاه پیام نور واحد رشت به انجام رسیده است.

2. Defensive
3. Offensive

وجود عوامل طبیعی در کالبد شهرهای استان گیلان باعث شده تا در این سرزمین، برخلاف خیلی از نقاط ایران، «شهرنشینی باز» داشته باشیم که شرح دادن آن برای گردشگران فرهنگی - تاریخی، ضمن حضور در این شهرها و بازدید از شواهد و آثار این نوع از شهرنشینی می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. از دیگر ویژگی‌های کالبدی که مختص شهرهای گیلان است، اینکه به دلیل داشتن پسرانه‌ی جنگل و بیشه‌زار در خارج از محدوده‌ی قانونی شهرها، معمولاً داخل محدوده‌ی قانونی شهرهای گیلان مانند سایر شهرهای ایران، از طراحی فضای سبز (درختکاری) برخوردار نیست و معمولاً در داخل فضای شهری، کمتر پوشش درختی مترکم را می‌بینیم و شاید به همین دلیل استان گیلان، یکی از استان‌های کم‌برخوردار در سرانه‌ی فضای سبز است. معماری خانه‌های گیلانی نیز بسیار منحصر به فرد و خاص این منطقه از کشورمان است که متأثر از شرایط اقلیمی و زیستی آن است، استان گیلان به دلیل بارش و رطوبت فراوان از گذشته تاکنون دارای بام‌های سفالی بوده و برخلاف سایر شهرهای ایران، به دلیل بارش فراوان، بام‌ها دارای کاربرد برای سایر امور نیستند و همچنین آنچه در ایام قدیم، به عنوان سردابه و معمولاً در زیرزمین خانه‌ها تعبیه می‌شده، به دلیل رطوبت فراوان، در گیلان وجود نداشته است و معمولاً به دلیل محافظت در برابر رطوبت، خانه‌های گیلانی به صورت کرسی بلند تعبیه می‌شدند که دقت به این ظرایف، بخصوص در طراحی خانه‌های بوم گردی که محل اقامت اصلی گردشگران فرهنگی - تاریخی است، بسیار حائز اهمیت است.



شکل ۳. تقسیمات سیاسی - اداری و جغرافیایی استان گیلان (۱۳۹۵)

جغرافیای تاریخی شهرهای گیلان

- رشت

واژه‌ی رشت در لغت به معنای سرسبز است. در تاجیکستان هم شهری به همین نام با حدود ۲۵ هزار نفر جمعیت وجود دارد که زادگاه رئیس جمهوری آن کشور هم هست. در تبیین معنای لغوی رشت می‌توان به نام دو آبادی در منطقه‌ی خوار ورامین اشاره کرد. در این منطقه دو آبادی رشتخوار و برخوار وجود دارد. آنکه در کوهپایه قرار دارد و از آب کافی و بارش بیشتری برخوردار است رشتخوار یا خوار سرسبز و آنکه در حاشیه‌ی کویر واقع شده و خشک و بیابانی است برخوار یا خوار بری و بیابانی نام دارد. تا قبل از اینکه رشت به فرمان شاه عباس کبیر، مرکز ایالت گیلان شود، لاهیجان در شرق، مرکز گیلان بیه پیش و فومن در غرب مرکز گیلان بیه پس بود. در آن زمان رشت شهر کوچکی بیش نبود. حاکمان لاهیجان و فومن پیوسته با یکدیگر در جنگ بودند و شاه عباس برای فرونشاندن این جنگ‌ها مرکز ایالت گیلان را به رشت منتقل کرد. از آن پس به وسعت شهر افزوده شد و بازار آن به دلیل تجارت ابریشم رونق گرفت. با روی کار آمدن صفویان، این شهر در کانون توجه قرار گرفت و به عنوان مرکز گیلان انتخاب شد. با مروری بر تاریخ گیلان، درمی‌یابیم که در اعصار کهن و تا قبل از روی کار آمدن صفویان، هیچ‌گاه قدرت

متمرکزی در گیلان وجود نداشته و غرب و شرق گیلان دارای دو حاکمیت مجزا از هم بوده‌اند. ولی با روی کار آمدن صفویان، حکومت‌های محلی ضعیف و گیلان دارای یک حاکمیت متمرکز شد. اثرگذاری عوامل سیاسی بر ساختار قدرت سیاسی گیلان در سال ۷۰۳ ه.ق و به انتخاب قزوین به پایتخت حکومت مرکزی از سوی الجایتو باز می‌گردد. این تأثیر با انتخاب قزوین در حکم پایتخت دولت صفوی و تمایل به تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند شدت یافت و اقدامات اولیه‌ی شاه تهماسب برای حذف حکومت‌های محلی، با به قدرت رسیدن شاه عباس اول و خالصه اعلام کردن اراضی گیلان، به کاهش هرچه بیشتر قدرت حکومت‌های محلی انجامید. نتیجه‌ی نهایی این اقدامات، تقویت رشت به مثابه‌ی مرکز ثقل ارتباطی گیلان با فلات مرکزی و رسمیت یافتن آن در حکم مرکز حکومت گیلان بود (کشوردوست و شکوهی راد، ۱۳۹۲: ۶).

برخلاف شهرهای سایر استان‌ها، رشت دارای حصار و برج و بارو نبود. اطراف شهر را جنگل‌ها، بیشه‌زارها، مزارع برنج و توتستان پوشانده بودند (شکل ۴). همان‌طور که در (شکل ۴) مشخص شده، دو رودخانه‌ی زرجوب و گوهررود (با رنگ آبی مشخص شده‌اند) شهر رشت را در برگرفته بودند؛ اما امروزه با توسعه‌ی شهر رشت این دو رودخانه در محدوده‌ی درون‌شهری قرار دارند. بازار شهر رشت از قدیمی‌ترین بازارهای سنتی شهری است. این بازار تاکنون شش بار در آتش سوخته است. در سال ۱۳۲۰، آتش‌سوزی وحشتناکی در بازار رخ داد که طی آن بیش از یک هزار مغازه و تعدادی کاروان‌سرا در آتش سوختند. آدام اولثاروس که در زمستان سال ۱۶۳۸، در رشت بوده، در توصیف شهر رشت از سفال‌پوش بودن سقف‌ها، محله‌ها، درخت‌های نارنج، بازار آن و غذاهای گوناگون در رشت یاد کرده است (Olearius, 1984: 349).

رشت دارای محله‌های قدیمی زیادی است، از جمله می‌توان از محله‌ی ساغریسازان نام برد که محل سکونت خانواده‌های سمیعی و امش‌ای هست. هنوز هم در این محله که به محله‌ی حاج سمیع شهرت دارد، خانه‌های قدیمی زیادی باقی مانده‌اند. ارامنه و یهودیان هم در محله‌های خاص خود زندگی می‌کردند. حضور ارامنه در رشت با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود. آنان چندین بار در محله‌ی ارمنی بولاغ و نزدیک بازار ماهی‌فروشان کلیسایی برای خود ساختند که در آتش‌سوزی‌ها تخریب شد. کلیسای کنونی رشت که دارای ساختمان زیبایی است، در سال ۱۳۴۵، افتتاح و مورد استفاده قرار گرفت (فرهودی و طالبی، ۱۳۷۷: ۵۶).



شکل ۴. نقشه تاریخی شهر رشت، ۱۲۸۷ ه.ق^۱

گردشگری شهری در رشت زمینه‌های فراوانی دارد. بازار رشت که از چندسره به بازار میوه و تره‌بار و ماهی‌فروشان وصل می‌شود، از دیدنی‌ترین و پر جنب و جوش‌ترین بازارهاست. در این بازار تقریباً همه نوع محصولات غذایی عرضه می‌شود و اصلی‌ترین محل خرید ساکنین رشت به‌شمار می‌رود. البته بازار محلی دیگری در محله‌ی چمارسرا در سال‌های اخیر تأسیس شده، لیکن بازار اصلی رشت حال و هوای دیگری دارد. برخی از مغازه‌های این بازار بیش از سه نسل است که توسط بازماندگان اداره می‌شود.

خانه‌های قدیمی رشت که در محله‌های قدیمی برجای مانده‌اند، معماری خاص خود را دارند. خانه‌های اعیانی دارای غلامگرد در اطراف، گره‌رو برای جریان هوا در زیر طبقه‌ی اول، ایوان‌های پنجره‌ای (بهارخواب)، سالن‌های ارسی‌دار، حیاط‌های وسیع و

۱. این نقشه در سال ۱۲۸۷ ه.ق و ۱۲۴۹ ه.ش به دستور ناصرالدین شاه و توسط ذوالفقارخان مهندس تهیه و ترسیم شده است.

درخت کاری شده‌اند. محله‌های قدیمی رشت دارای کوچه‌های پرپیچ و خم و تنگی هستند. اهمیت این کوچه‌ها از نظر نقش دفاعی و ایمنی آنهاست. بدین معنا که در مواقع ناامنی، مهاجمین نتوانند به راحتی وارد خانه‌های مردم شده و فرار کنند. از جمله این کوچه‌ها، کوچه‌ی دل‌زنده است که ۹ شاخه دارد و محله‌ی چهاربرادران را به پشت‌دبیرستان معروف شاهپور (شهید بهشتی) وصل می‌کند. از ۹ شاخه‌ی این کوچه، ۸ کوچه‌ی آن بن‌بست است و تنها از یکی می‌توان راه خروج پیدا کرد.

شهر رشت در مسیر توسعه‌ی خود از دوران صفویه تاکنون، علاوه بر محله‌های تاریخی، دارای خانه‌های قدیمی نیز هست مانند خانه‌ی رحمت سمیعی، خانه‌ی میرزا خلیل رفیعی، خانه‌ی ابریشمی و خانه‌ی میرزا کوچک خان جنگلی که امروز به موزه تبدیل شده است. میدان شهرداری رشت، عمارت کلاه فرنگی در پارک شهر نیز از جمله اماکن با ارزش تاریخی‌اند که بازدید از آنان برای گردشگران فرهنگی - تاریخی بسیار جالب خواهد بود. موزه‌ی میراث روستایی گیلان که در پارک جنگلی سراوان، در جاده‌ی رشت - قزوین و در ۱۸ کیلومتری رشت واقع شده، نیز صنایع دستی، معماری خانه‌های روستایی گیلان، آداب، رسوم و بازی‌های محلی را به خوبی در معرض دید گردشگران قرار می‌دهد. رشت هرچند که سابقه‌ی تاریخی طولانی، مانند اصفهان، تبریز، قزوین و یا همدان را ندارد، لیکن از منظر جغرافیای تاریخی، از شهرهای مهم کشور است. این شهر در فاصله‌ی حدود ۳۰ کیلومتری از لاهیجان و فومن قرار گرفته و موقعیت جغرافیایی آن تا آغاز عصر مدرنیسم و ورود وسائط نقلیه موتوری و ساخت راه‌های شوسه، نقش زیادی در توسعه‌ی این شهر داشته است. به دلیل رونق تجارت ابریشم، بازرگانان زیادی از کشورهای اروپایی به این شهر می‌آمدند و برخی کشورها مانند روسیه، انگلستان و عثمانی در آن کنسولگری داشتند. از زمان صفویه تعدادی آرامنه به رشت کوچانده شده و اینان منشاء تحولات فرهنگی، سیاسی، فنی، هنری و اجتماعی زیادی در شهر رشت شدند. از این رو ترکیب اجتماعی رشت همیشه از تنوع زیادی برخوردار بوده و هست. نخستین تئاتر در این شهر توسط ارمنیان دایر شد. علاوه بر آن زنان ارمنی با دایر کردن کلاس‌های خیاطی، گلدوزی، شیرینی‌پزی و سایر هنرهای تزئینی به دختران، آنان را با زندگی بیرون از خانه آشنا کردند. در اوایل قرن بیستم رشت دارای چهار میدان عمومی به نام‌های میدان بزرگ، میدان کوچک، میدان داروغه و سبزه‌میدان بود (میرابوالقاسمی، ۱۳۶۹: ۲۰۵). میدان مقابل ساختمان شهرداری که از زیباترین میدان‌های شهری است در زمان حکومت تیمورتاش، در گیلان در محل میدان بزرگ احداث شده است. ساختمان‌های اطراف آن مانند اداره‌ی پست، هتل ایران ساختمان شهرداری رشت و ساختمان هتل ساووی سابق از معماری روسی اواخر قرن نوزدهم میلادی الهام گرفته است. سبزه میدان هم در دوره‌ی رضاشاه به پارک عمومی با همین نام تبدیل شد. تنوع غذایی در رشت نیز از جمله امتیازاتی هست که با جغرافیا و تاریخ این شهر پیوند ناگسستنی دارد. وجود انواع مواد اولیه‌ی غذایی، مانند ماهی، پرندگان، گوشت، انواع تره‌بار و سبزی‌های محلی، به ساکنان رشت امکان می‌داد که غذاهای متنوعی تهیه نمایند. برخی از سفرنامه‌نویسان اروپایی نیز به غذاهای خوشمزه‌ی رشت، در هنگام اقامت خود در این شهر اشاره کرده‌اند.

رشت هرگز پایتخت نبوده، به همین دلیل، کاخ‌های سلطنتی در آن ساخته نشده‌اند. اما به دلیل اینکه یکی از دروازه‌ی ارتباطی ایران با اروپا بوده، خیلی زودتر از شهرهای دیگر، مظاهر تمدنی جدید را پذیرفته و با بومی‌سازی آن، عملکرد و کالبدهای جدیدی در این شهر ایجاد کرده‌اند. از نظر سیاسی در تمام عرصه‌های گیلان، رشت چهارراهی بود که هم‌زمان با جریان‌های اصلی، جریان‌های فرعی کالا و مسافر را هم جذب می‌کرد. چنین امتیازی، موجب فعالیت می‌شد و پذیرش جمعیت را به شدت تقویت می‌کرد. به مرور زمان جریان‌های اترافی به جریان‌های دائمی و شکل‌گیری یک مرکز مبادلاتی به صورت بازار و شبکه‌ی ارتباطی تعریف شده تبدیل شد که از جمله نتایج آن تثبیت و هم‌سویی تمام کنش‌ها در فرایند شهری شدن بود (سفردوست، ۱۳۸۴: ۵۶).

- فومن

فومن در اولین آمار رسمی منتشر شده در سال ۱۳۳۵، یکی از ۱۰ نقطه‌ی شهری استان گیلان بوده است. این شهر در ۲۷ کیلومتری شهرستان رشت قرار دارد و به شهر مجسمه‌های ایران شهرت دارد. این شهر دارای ۳۵۸۴۱ نفر جمعیت است و مساحت آن نیز ۲۹ کیلومترمربع است. هرچند که در حدودالعالم که از جمله قدیمی‌ترین کتب در حوزه‌ی جغرافیا و تاریخ است، اشاره‌ای به نام فومن نشده و از وجه‌تسمیه‌ی این شهر اطلاع درستی در دست نیست، اما در اوستا، از آن پومن، یاد شده که شاید با ریشه‌ی بوم یا زیستگاه ارتباط داشته باشد. با توجه به بررسی جغرافیای تاریخی فومن می‌توان گفت: این شهر تا زمان صفویان از اعتبار و اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود و مرکز گیلان غربی که در آن زمان بیه پس نامیده می‌شد، بود. پس از روی کار آمدن صفویان و انتخاب رشت به عنوان مرکز استان گیلان، کم‌کم دو شهر مهم لاهیجان (مرکز بیه پیش) و فومن (مرکز بیه پس) از اهمیت افتادند

و به تدریج بر اهمیت رشت، به عنوان مرکزی‌ترین شهر جلگه‌ای گیلان افزوده شد.

انتخاب رشت به عنوان مرکز گیلان به این شهر شرایط ممتازی بخشیده بود و هم بدین سبب بود که رشت پس از آنکه فومن از اعتبار افتاد، مرکز بیه پس شناخته شد (خوچکو، ۱۳۸۵: ۲۳). الکساندر خوچکو در توصیف این شهر می‌نویسد که فومن با تمام توانگری و مکننت ساکنانش، خانه‌ها و مساجد محقری دارد و اغلب بناهای آن تجمل و شکوه دیگر شهرهای گیلان را ندارد. در طاعون سال ۱۸۳۰، بسیاری از ساکنان فومن و روستاهای اطراف آن جان خود را از دست دادند.

فومن در گذشته بر سر راه‌های کاروان‌رو بین رشت و خلخال قرار داشته و به همین دلیل بقایای بعضی کاروان‌سراها در این مسیر دیده می‌شود. از جمله بازارهای بین‌راهی می‌توان از بازار شهر ماکلوان یاد کرد که روزگاری بسیار پررونق بوده و بقایای نیمه مخروبه‌ی آن در پشت مغازه‌های برجاده، باقی است. بازار فعلی فومن از بازارهای فعال گیلان است که در آن انواع محصولات کشاورزی و دامی عرضه می‌شود. برای عرضه‌ی محصولات محلی، روبروی بازار اصلی کوچه‌ای به روستاییان اختصاص داده شده که می‌توان محصولات تازه و طبیعی را از آنجا تهیه کرد. وجود نقاط تاریخی و وقایع بزرگ تاریخی در این شهر، باعث شده تا فومن به عنوان یکی از شهرهای با ارزش تاریخی در گیلان باشد. یکی از رویدادهای مهم تاریخی در استان گیلان، نهضت جنگلیان، به سرکردگی میرزا کوچک خان جنگلی است که روستاهای شهرستان فومن یکی از مقرهای اصلی جنگلیان بوده است. روستای زیده در جنوب فومن و روستای کیش دره از توابع بخش سردار جنگل رشت که در دهستان آلیان قرار دارد، از جمله مهمترین مقرهای نهضت جنگل بوده است. عمارتی در زیده به قصد پناهگاه برای جنگلیان ساخته شد که اکنون نیز بقایایی از آن موجود است و هم‌چنین عمارتی در کیش دره نیز داشتند که بخصوص در سال‌های آخر نهضت جنگل، مقر اصلی میرزا کوچک خان و یارانش محسوب می‌شد و روایاتی هست مبنی بر اینکه جنگلیان بسیاری از اسلحه‌ها و مهمات خود را در جنگل و کوه‌های کیش دره مخفی کرده بودند. میان رز نیز از دیگر روستاهای دهستان آلیان است که در روزهای آخر نهضت جنگل، محل اقامت میرزا کوچک خان جنگلی بوده است، که متأسفانه امروزه این خانه به‌طور کل تخریب گشته و بقایایی از آن بجای نمانده است.

قلعه رودخان یکی دیگر از جاذبه‌های بارزش تاریخی در شهرستان فومن است که در روستای رودخان قرار گرفته و مورخان قدمت این دوره را به ساسانیان نسبت داده‌اند. مسافت قلعه تا شهر فومن در حدود ۲۵ کیلومتر است. این قلعه در دل جنگل‌های مرتفع رودخان قرار گرفته است و طبیعت بکر و زیبای آن و همچنین قدمت تاریخی این قلعه، آن را به یکی از جاذبه‌های با ارزش تاریخی گیلان تبدیل کرده است. این قلعه در سال ۱۳۵۴، در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است. شهر ماسوله که در بخش سردار جنگل شهرستان فومن قرار گرفته است، نیز از جمله شهرهای تاریخی گیلان است که معماری قدیمی پلکانی آن جذابیت خاصی به این شهر داده است. معماری پلکانی این شهر باعث شده است تا سقف خانه‌های پایین پلکان به عنوان حیاط یا محوطه‌ی ورودی خانه‌های بالای پلکان بشوند و این معماری تاریخی از این لحاظ که هم سقف و هم حیاط خانه‌ها دارای کاربری پیاده‌رو هستند باعث جذابیت آن شده است. این شهر نیز در سال ۱۳۵۴، به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. فاصله‌ی ماسوله تا فومن در حدود ۳۵ کیلومتر است.

هرچاکه تنوع طبیعی و انسانی، تحت سیطره‌ی زمان و تاریخ درهم می‌آمیزد، نوعی الگوهای زیستی شکل می‌گیرد که به نوبه‌ی خود می‌تواند استثنایی و منحصر به فرد باشد. ماسوله نمونه‌ی بارزی از این زیستگاه‌ها است که در طول عمر هزارساله‌ی خود در هماهنگی خارق‌العاده میان انسان و طبیعت نمونه‌ی بارزی به شمار می‌رود، آمیزه‌ای از فرهنگ‌های سه‌گانه‌ی تالشی، ترکی و گیلکی از یک سو و طبیعت‌های سه‌گانه‌ی جنگلی، شهرسازی و معماری خاص ماسوله است (رنجبر و سرور، ۱۳۸۶: ۳).

فومن حوزه‌ی نفوذ روستایی بزرگی دارد و تا مدت‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین نقطه‌ی شهری و ارائه‌کننده‌ی خدمات و مرکز داد و ستد بین فومن و روستاهای اطراف بود. راه ارتباطی قلعه‌رودخان و شهر تاریخی ماسوله از این شهر می‌گذرد و به همین دلیل گردشگران ناگزیر از تماشای شهر فومن نیز هستند. پارک شهر فومن از جمله نخستین پارک‌های شهری است که در آن علاوه بر وسایل بازی کودکان مجسمه‌ی انواع حیوانات برای آشنایی کودکان نصب شده است. فومن همچنین دارای خانه‌های تاریخی بی‌شماری چون خانه‌ی آذرگشسب، خانه‌ی آقای کریم پرتوی، خانه‌ی آقای همتی، خانه‌ی آقای رزاق رائی، خانه‌ی آقای عیسی‌پور، خانه‌ی آقای عبدالله بی حساب، خانه‌ی ابراهیم سلیمی و مهین اشجاری، خانه‌ی عزتی‌ها، خانه‌ی احمد علی فرامرزی، خانه‌ی اسماعیل دباغی، خانه‌ی امیر بهلولی، خانه‌ی اسماعیل عزیززی، خانه‌ی تراب جهانی، خانه‌ی نعمت‌زاده‌ها و... است که برای بازدید گردشگران فرهنگی - تاریخی بسیار جالب خواهد بود. غار زیبا و تاریخی خون فوشه در روستای فوشه و غار بوزخانه در ارتفاعات رشته کوه تالش نیز از جمله غارهای تاریخی در شهرستان فومن هستند.

- لاهیجان

لاهیجان، تا پیش از زمان شاه عباس کبیر، کرسی و یا حاکم نشین گیلان بیه پیش، یعنی آنچه که در شرق رودخانه‌ی سفیدرود قرار داشت، بود. اما یک اراده‌ی سیاسی این دو موقعیت را تغییر داد و لاهیجان به تدریج اهمیت و منزلت خود را از دست داد. از منظر جغرافیای تاریخی این فراز و فرودها برای شهرها اهمیت زیادی دارند. در دوره‌ی فتح‌علی شاه قاجار، منطقه‌ی دیلمان، سیاهکل و لنگرود نیز از حوزه‌ی نفوذ لاهیجان خارج شده و بدین ترتیب، موقعیت لاهیجان روزبه‌روز ضعیف‌تر شد. پس از سقوط سلسله سادات کیایی، لاهیجان به وسیله‌ی حکام صفوی اداره می‌شد و شکل‌گیری کالبدی و گسترش مجدد شهر در این دوره است. شهر در دوره‌ی صفوی به چند محله تقسیم می‌شد که هر محله سکونت‌گاه طبقه‌ی اجتماعی خاصی بوده، از جمله می‌توان به خمیرکلایه (سکونت‌گاه اعیان و اشراف)، محله میدان (محل سکونت پیشه‌وران و عامه‌ی مردم)، محله‌ی شرابافان (محل سکونت نساجان) اشاره کرد. از اواخر صفویه و اوایل قاجاریه، لاهیجان اهمیت خود را در گیلان از دست داد و رشت و بندرانزلی جای آن را گرفتند (غنی‌پور تفرشی، ۱۳۹۱: ۵۵). هسته‌ی اولیه‌ی لاهیجان از هفت محله به نام‌های خمیرکلایه، اردوبازار، گابنه، میدان، شراباف محله، پرده سر و کاروانسرا بر تشکیل شده بود که همچنان پابرجاست (خاکپور و کاتب، ۱۳۹۸: ۷). هویت امروزی لاهیجان با دو محصول برای گردشگران تبیین می‌شود؛ نخست چای و دیگر کلوچه‌ی معروف لاهیجان. کاشف‌السلطنه که آرامگاه او (موزه‌ی چای) در کنار آن قرار دارد، پس از کوشش‌های فراوان توانست بذر چای را در درون عصای دستی خود از هندوستان به ایران آورده و آن را در اطراف لاهیجان که آب و هوا و زمین‌های مشابهی با کشتزارهای چای هندوستان داشت، کاشته و پرورش دهد. امروزه چای لاهیجان در کشور شهرتی تام دارد و حتی چای دیگر نواحی همجوار نیز با نام چای لاهیجان پیوند خورده است.

دیگر محصول شناخته شده با نام این شهر کلوچه‌های معروف آن است. این کلوچه که ابتدا با یک نام تجاری تولید و عرضه می‌شد، آن چنان مورد استقبال مردم قرار گرفت که اکنون چند کارخانه‌ی تولید کلوچه در لاهیجان فعالیت دارند و بازار پررونقی را تجربه می‌کنند. مقبره‌ی شیخ زاهد گیلانی که اکنون از زیارت‌گاه‌های مهم گیلان است در کنار شهر لاهیجان قرار دارد. به روایت تاریخ، شیخ زاهد که خود از مریدان شیخ صفی بوده، نقش مهمی در تربیت شاه اسماعیل صفوی داشت، شاه اسماعیل سیزده ساله که پس از شکست و کشته شدن برادرش ابراهیم در جنگ با اق‌قویونلوها در محل شاماسی اردبیل، توسط هوادارانش به تالش برده شد، پس از مدتی که در نواحی بیلاقی تالش مخفی بود به محضر شیخ زاهد رسید و مورد احترام و حمایت او قرار گرفت. شیخ زاهد در تربیت او کوشید و چندسال بعد دخترش را به عقد او درآورد و با نیرویی او را روانه‌ی اردبیل کرد که پس از جنگ‌های زیاد موفق شد سلسله‌ی صفویان را بنیان نهد.

بازماندگان و بزرگان صفویه پس از فوت شیخ زاهد گیلانی، پیوسته به زیارت آرامگاه او می‌رفتند و چون در این رفت و آمدها به مسیر و راهی امن نیاز داشتند، از تالش می‌گذشتند. آنان در تالش خویشاوندان و هوادارانی داشتند که سفر را برای آن‌ها راحت‌تر می‌کرد. از این رو صفوی‌ها در تعمیر و نگهداری راه ارتباطی که از تالش می‌گذشت، همت کرده و در نواحی باتلاقی حتی آن را سنگفرش می‌کردند. این همان راهی است که بعدها در دوره‌ی نادرشاه افشار، پس از شورش تالشان (۱۷۴۷-۴۸)، به‌عنوان یک جاده‌ی نظامی تعمیر شد و به جاده‌ی نادری معروف گشت. راه امروزی آستارا، تالش و انزلی از مسیر همین راه احداث شد.

مزارع پایین دست شهر لاهیجان در سال‌های کم‌آبی پیوسته در معرض تهدید بودند. به همین دلیل از گذشته‌های دور در پایین کوهپایه‌های مشرف به شهر، استخرهایی برای ذخیره‌سازی آب احداث شده بود. در دهه‌های گذشته با تجمع این استخرها، دریاچه‌ی زیبایی در پایین شیطان‌کوه ساخته شد که امروزه از جاذبه‌های توریستی شهر لاهیجان به‌شمار می‌رود. در محله‌های قدیمی لاهیجان، هنوز خانه‌های قدیمی زیادی برجای مانده که از نظر معماری و فضاسازی بیرونی و داخلی قابل توجه هستند. در میان شهرهای گیلان، لاهیجان موقعیت جغرافیایی خاصی دارد. بخشی از شهر روی دامنه‌های کم شیب که پوشیده از باغ‌های چای است، ساخته شده و چشم‌انداز زیبایی به شهر می‌بخشد. این شهر در دوران صفویه، تغییرات زیادی را در بدنه و کالبد خود پذیرا شد.

لاهیجان بازار پرچرب و جوشی دارد که در قسمتی از آن محصولات کشاورزی محلی، مانند بازار روز عرضه می‌شوند و همچنین جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بیشماری در آن وجود دارد که برای گردشگران می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. بخش عمده‌ی جاذبه‌های گردشگری لاهیجان در ضلع شرقی این شهر و در شعاع کمتر از یک کیلومتر قرار دارند. مهم‌ترین این جاذبه‌ها

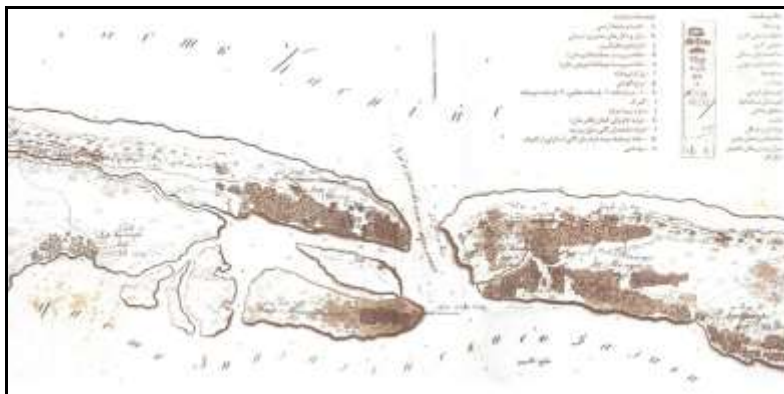
عبارتند از: استخر، آبشار شیطان کوه، موزه چای، آرامگاه کاشف السلطنه، ایستگاه تحقیقات گل و گیاه، بام سبز و تله کابین، مقبره‌ی شیخ زاهد گیلانی و پارک جنگلی شیخ زاهد. علاوه بر این جاذبه‌ها، تعداد زیادی از جاذبه‌های فرهنگی و مذهبی نیز در حاشیه‌ی جاذبه‌های ذکر شده قرار دارند که بر اهمیت این بخش از لاهیجان می‌افزاید (پرمايه و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳). علاوه بر اماکن تاریخی، لاهیجان شهری است که بسیاری از آئین‌های سنتی آن به سبب قدمت تاریخی‌شان در فهرست آثار و آئین‌های ملی به ثبت نیز رسیده‌اند. از جمله این مراسم می‌توان به کرب زنی، مراسم چهل منبر، مراسم روز یازدهم رودبند (ماه محرم) اشاره کرد که همگی جزء آیین‌های عزاداری ملی محسوب می‌شوند. شهرستان لاهیجان از نظر گردشگری اهمیت زیادی دارد و سالانه پذیرای دو میلیون گردشگر است. این شهرستان بعد از بندرانزلی، دومین منطقه‌ی گردشگری و مهم استان محسوب می‌گردد (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶: ۸۹).

- انزلی

بندرانزلی یکی از شهرهای کوچک ساحلی در استان گیلان است و تنها نقطه‌ی شهری شهرستان بندرانزلی است که از شمال با دریای خزر و از جنوب با تالاب انزلی احاطه شده است. این محدود شدن شهر با دو عارضه‌ی طبیعی از شمال و جنوب، باعث شده تا شهر شکل خطی و نواری به خود بگیرد و از لحاظ طولی گسترش پیدا کند (شرقی - غربی). این شهر در ارتفاع ۲۶- متر از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است و یک شهر جلگه‌ای محسوب می‌شود. شهرستان بندرانزلی دارای دو دهستان چهارفریضه در غرب و لیچارکی حسن‌رود در شرق است. شهر بندر انزلی دارای دو منطقه شهری جدا از هم به نام‌های انزلی و غازیان است. این دو منطقه شهری به وسیله‌ی آبراه یا کانال ارتباطی تالاب و دریا از یکدیگر جدا شده و از طریق پل ارتباطی غازیان به یکدیگر متصل می‌شوند. منطقه شرقی شهر که از پل غازیان تا طالب‌آباد قرار دارد، "غازیان" و بعد از پل در قسمت غرب شهر تا روستای بشمن، "انزلی" نامیده می‌شود.

انزلی در حال حاضر و بر طبق آمار رسمی منتشر شده در سال ۱۳۹۵، به عنوان دومین شهر پرجمعیت استان گیلان است. بدون شک بندر انزلی در سده‌های پیشین ولو به صورت یک دهکده کوچک وجود داشته و خواه ناخواه توقف‌گاهی برای ماهیگیران و شکارچیان پرندگان دریایی و همچنین پناهگاه کرجی‌بانان حامل کالا بوده است. تا اینکه از اوایل دوره صفویه بندر انزلی مورد توجه انگلیسی‌ها، روس‌ها و حکومت مرکزی ایران که پایتختش قزوین بوده قرار گرفت. انگلیسی‌ها که در تجارت ابریشم از جمله خریداران عمده ابریشم گیلان به‌ویژه ابریشم مرغوب لاهیجان بوده، با مشکل حمل ابریشم به اروپا روبه‌رو بودند. زیرا می‌بایستی از خاک عثمانی کالای خود را عبور دهند و یا از طریق خلیج فارس خصوصاً هندوستان و اقیانوس هند که هر دو راه هم طولانی و هم ناامن بوده است. مخصوصاً پرتغالی‌ها با ناوگان جنگی نیرومند خود بر اقیانوس هند تسلط داشتند. از این رو انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند نواحی شمالی را کشف و راه دیگری را به طرف آسیا بگشایند. در نتیجه با برنامه‌ریزی و دایر کردن شرکت تجاری در مسکو، راه سوم را انتخاب کردند که از طریق رشت - بندر انزلی - بادکوبه به اروپا می‌رسیدند و همین راه باعث شد بعدها به بندر انزلی عنوان "دروازه اروپا" داده شود (طویلی، ۱۳۷۰: ۵۹).

بر اساس نقشه‌های تاریخی بدست آمده از شهر بندر انزلی در سال ۱۲۲۱ ه.ش. دو منطقه‌ی جدا شده‌ی انزلی و غازیان از طریق آبراه و کانال طبیعی تالاب انزلی، دارای نواحی ساخته شده‌ی محدودی بودند که در نقشه‌ی (۵) به خوبی قابل شناسایی است. اراضی ساخته نشده‌ی بایر و بوته‌زار که جزو اراضی تالابی و پست و آبگیر هستند عمدتاً پس از عقب‌نشینی کردن سواحل دریای خزر به جای ماندند، بخش قابل توجه اراضی شهر را در این دوره تشکیل داده است و در این دوره به دلیل اینکه هسته‌های اولیه‌ی شهر تشکیل شده بود، اثر از شکل خطی یا نواری برای شهر نبود. جمعیت کم، نواحی کالبدی و ساخته شده‌ی کم، با بافت سنتی و شبکه‌ی معابر نامشخص که تنها برای عبور و مرور عابران پیاده، درشکه و گاری ساخته شده بود، از ویژگی‌های بارز شهر در این مقطع زمانی است. اما به تدریج و با افزایش جمعیت شهر از یک سو و ایجاد بندر برای پهلوگیری کشتی‌ها و رشد فعالیت‌های بندری و گمرکی از سوی دیگر سبب گردید تا این شهر رشد کالبدی سریعی را پشت سر بگذارد و اکنون بندر انزلی در وضع کنونی دارای بافتی خطی با طول (شرقی - غربی) حدود ۱۵ کیلومتر و عرض (شمالی - جنوبی) حدود ۲/۵ کیلومتر می‌باشد و از دو نوع بافت منظم (مربوط به توسعه‌ی شهر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی) و بافت نامنظم (هسته‌ی اولیه شهر) برخوردار است.



شکل ۵. نقشه‌ی تاریخی شهر بندر انزلی در سال ۱۲۲۱ هجری شمسی (منبع: طرح جامع بندر انزلی، ۱۳۸۶)

بندر انزلی نیز مانند لاهیجان یکی از معدود شهرستان‌های استان گیلان است که بیشتر اماکن و جاذبه‌های تاریخی آن در محدوده‌ی شهری انزلی قرار دارند، از جمله کاخ موزه‌ی انزلی، ساختمان شهرداری، ساختمان موزیک، پل‌های انزلی و غازیان، برج ساعت (مناره‌ی انزلی)، کلیسای مریم مقدس، گورستان مسیحیان (گورستان لهستانی‌ها) و یکی از مهمترین وقایعی که در دوران جنگ جهانی دوم رخ داد، مهاجرت بسیاری از لهستانی‌ها به بندر انزلی بود که از طریق کشتی خود را به این بندر رساندند. بعد از تقسیم لهستان بین آلمان و شوروی در خلال جنگ جهانی دوم (سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱) بسیاری از لهستانی‌های بی‌پناه به بندر انزلی مهاجرت کردند که تعداد بسیار زیادی از آنان نیز بیمار بودند، ولی با استقبال گرم مردم انزلی مواجهه شدند، هرچند که تعدادی از آنان در بندر انزلی اقامت گزیدند و حتی ازدواج کردند، ولی صدها تن نیز بر اثر بیماری جان خود را از دست دادند و مطابق با آئین‌ها و سنت‌هایشان در گورستانی جدا روبه‌روی گورستان انزلی‌چی‌ها به خاک سپرده شدند. این گورستان هنوز پابرجاست و یکی از اماکن تاریخی بندر انزلی محسوب می‌شود که یادآور مهاجرت لهستانی‌ها به این شهر است.

در این شهر صورت‌های متفاوتی از نمایش و ورزش‌های سنتی وجود داشته و دارد از قبیل نمایش‌های عروسکی، خیمه‌شب‌بازی و آینه‌تکم که از فرهنگ‌های همسایه گرفته شده است و نمایش‌هایی از قبیل آهوچره، پیربانو (عروس گله)، لال‌بازی و ورزش‌های سنتی نظیر کشتی گیله‌مردی، ورزش‌های بندبازی که ریشه در فرهنگ این مرز و بوم دارد (حسنی مهر و تبری، ۱۳۹۰: ۱۲۲). علاوه بر این جاذبه‌ها، صنایع دستی بندر انزلی از جمله حصیربافی نیز در روستاهای بندر انزلی بخصوص در دهستان حسن رود از گذشته تاکنون از جاذبه‌های فرهنگی - تاریخی این شهرستان محسوب می‌شود زیرا حصیربافی معمولاً در شهرها و روستاهایی انجام می‌شد که کنار تالاب‌ها یا آبگیرها بودند تا مواد اولیه‌ی ساخت حصیرها، «سوف» یا «لی» به راحتی تأمین شوند.

- تالش

جغرافیای تاریخی شهر تالش را نباید از بازار قدیمی کرگانرود که روزگاری بندر فعالی بوده، جدا دانست. بندر کرگانرود در فاصله‌ی شش کیلومتری شرق تالش قرار داشت و آنچه که از این بندر برجای مانده، تنها حمام قدیمی آن است. از جمله کسانی که این بندر را دیده و توصیف کرده‌اند، می‌توان از نیکیتین، آخرین کنسول روسیه‌ی تزاری در رشت نام برد. او در کتاب خاطراتش می‌نویسد که کرگانرود بندر پرچنب و جوشی است و پیوسته کشتی‌های تجاری بین این بندر و بندر روسیه در رفت و آمد هستند. در کرگانرود حدود ۹۰ مغازه، اداره، گمرک، تلگراف‌خانه و برخی دیگر از سازمان‌های دولتی وجود داشت.

تا قبل از انقلاب مشروطیت، مقر حکومت تالش در روستای ریک که بعداً هشتر نام‌گذاری شد، قرار داشت. اما بازار و شهرستان در بندر کرگانرود مستقر بودند. ساختمان حکومتی که امروزه در وسط شهر تالش قرار دارد، در وقایع انقلاب مشروطیت به آتش کشیده شد و سال‌ها به صورت مخروبه‌ای برجای مانده بود. در نیمه‌ی سال‌های دهه‌ی ۱۳۴۰، این ساختمان و محوطه‌ی مربوط به آن توسط بازماندگان سردار امجد به شیرو خورشید سرخ (هلال احمر کنونی)، واگذار شد و در پیکره‌ی بازسازی شده‌ی آن زایشگاه و دفتر شیر و خورشید ساخته شد. بعد از انقلاب اسلامی، این بنای تاریخی به پایگاه بسیج تبدیل شد. راینو درباره‌ی هشتر (تالش) این‌طور می‌نویسد: مهمترین شهر این ناحیه ریک است که معمولاً کرگان رود نامیده می‌شود. حرم سلطان سید نیکی و شیخ

عبدالمعصوم و سید سلطان و عده‌ای دیگر در کرگان‌رود واقع است. در این شهر دو مسجد دیده می‌شود که یکی مجاور سید سلطان نیکی در رنگرزخانه واقع است. بازار نزدیک دریا شامل ۶۰ دکان و در حدود ۱۵ کلبه‌ی چوبی است. محل اقامت خان‌ها در هشتمین می‌باشد (رایینو، ۱۳۹۱: ۹۸).

کاوش‌های باستان‌شناسان در نقاط مختلف تالش در طول یک سده‌ی اخیر نشان می‌دهد که این ناحیه هزاران سال پیش از میلاد مسیح زیستگاه مردمانی متمدن بود. اینان نقش و حضور درخشانی در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن در دوره‌ی پیش از تاریخ و دوره‌ی باستان داشته‌اند. از سویی دیگر به جزء آثار و اشیای ارزشمند یافت شده‌ی باستان‌شناسان، آثار دیگری به صورت نام آبادی‌های کهن، کوه‌ها، دره‌ها و... برجای مانده است که یادآور واژه‌های سانسکریت، اوستایی، پارسی باستان و پهلوی است و نشان‌دهنده‌ی ارتباط و پیوند مردم این سامان با آن دسته از اقوام آریایی است که هزاران سال پیش پا به کناره‌های باختری دریای کاسپین نهادند (قدیری، ۱۳۹۴: ۳). نام شهر تالش در اسناد و مکاتبات سابق هشتمین بود و در دهه‌ی ۱۹۷۰، به دنبال تقسیم شهرستان تالش به سه شهرستان تالش، رضوانشهر و ماسال، نام شهر هم از هشتمین به تالش، تغییر یافت. واژه‌ی هشتمین در لغت به معنای مرکز است. وجه تسمیه‌ی هشتمین به معنای مرکز از چهار جهات اصلی و فرعی جغرافیایی گرفته شده است. با اندک دقتی می‌توان دریافت که هشتمین در ۷۵ کیلومتری از شهرهای آستارا در شمال و انزلی در جنوب قرار گرفته است. این مرکزیت جغرافیایی در جهات شرقی و غربی هم به نوعی قابل تشخیص است. به هنگام اشغال گیلان توسط ارتش شوروی، آنان کوشش کردند برای اهداف نظامی خود جاده‌ی آستارا - هشتمین - انزلی را آسفالت و پل‌های رودخانه‌ها را برای رفت و آمد اتومبیل بازسازی و تعویض نمایند. هنگامی که آنان پل رودخانه‌ی کرگانرود را بازسازی می‌کردند، یکی از مهاجرین بنام مرحوم صادق آسوار، قهوه‌خانه‌ای در کنار کارگاه آنها راه‌اندازی کرد که همین قهوه‌خانه، هسته‌ی اولیه‌ی تشکیل شهر هشتمین شد. با عقب‌نشینی نیروهای شوروی از گیلان و تالش، روابط تجاری میان ایران و شوروی کاهش یافت و به دنبال بسته‌شدن مرزها کاملاً متوقف شد. بازرگانانی که در بندر کرگانرود تجارت می‌کردند، مغازه‌های خود را به هشتمین، به‌ویژه در دوسوی پل منتقل کردند. در مدت کوتاهی با انتقال بازار و ساکنین کرگانرود که عمدتاً عملکرد بندری و تجاری داشت از رونق افتاد و در مقابل آن ساخت و سازها در هشتمین رونق گرفت.

تا اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰، هشتمین شهر کوچکی بود که در امتداد جاده آسفالتی در دو طرف رودخانه کشیده شده بود. در سال‌های ۲۷-۱۳۲۶ تالش از بخش به شهرستان تبدیل شد و هشتمین مرکز شهرستان تالش گشت. با توسعه‌ی نظام دیوان‌سالاری ابتدا اداره‌ی فرمانداری، شهرداری، پست و تلگراف، شهربانی، ژاندارمری، بهداشتی، آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی در شهر مستقر شدند. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن به سال ۱۳۳۵ هشتمین حدود ۳۴۰۰ نفر جمعیت داشت. از آنجایی که در فاصله‌ی هشتمین تا آستارا و هشتمین تا انزلی هیچ نقطه‌ی شهری وجود نداشت. این شهر به یک شهر با عملکرد خدماتی و اداری در شهرستان تبدیل شد.

از منظر جغرافیای تاریخی و تأثیر اراده‌ی سیاسی حکومت برفراز و فرود شهرها، کرگانرود برخلاف لاهیجان نتوانست به حیات خود ادامه دهد و ساکنان آن ناگزیر بندر کرگانرود را ترک کرده و به هشتمین نقل مکان کردند. بدین ترتیب با مرگ و ویرانی یک شهر، شهر از بنیادی به نام هشتمین پا به عرصه‌ی وجود گذاشت، که امروزه از شهرهای فعال و بسیار پررونق استان گیلان است. امروزه در محل بازار قدیم کرگانرود دو پدیده‌ی ناهمساز با یکدیگر مشاهده می‌شود. از سویی شهرداری تالش، اقدام به تأسیس یک مجتمع ساحلی گردشگری کرده و در همان حال و درست چسبیده به آن محل دپوی زباله‌ی شهر قرار دارد. از تمامی ساختمان‌های اداری و مسکونی و تجاری بندر کرگانرود، جز یک حمام چیزی برجای نمانده است. گردشگرانی که اکنون در محل این بندر اسکان می‌یابند، نمی‌دانند که روزگاری اینجا بندر پررونقی بوده و در همین حال، محل جنگ‌های دلیرانه‌ی مردم تالش با سربازان روسی و اخراج آن‌ها از تالش، بی‌جهت نیست که جغرافیدانان می‌گویند: شهرها به دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و می‌میرند یا در جایی دیگر زنده می‌شوند.

از نظر معیارهای مکان‌یابی و استقرار شهرها، شهر تالش یا هشتمین از سه‌ویژگی جغرافیایی مهم برخوردار است: فرارگیری در کنار یک رودخانه‌ی دائمی، فرارگیری در ناحیه‌ی پایکوهی کوه‌های تالش و برخوردارگی از جنگل‌های سرسبز هیرکانی و جدای از این سه عامل مهم جغرافیایی، باید از پسکرانه‌ی وسیع و حاصلخیز روستایی هم نام برد که امروزه اقتصاد شهر به تولیدات آن‌ها به شدت وابسته است. هشتمین یا تالش، یک شهر مهاجرپذیر است. از همان اوایل تأسیس تعدادی از بازاریان خلخال که از غارت و چپاول ایلات شاهسون به تنگ آمده بودند، به هشتمین مهاجرت کرده و به تجارت مشغول شدند. مهاجرین روسیه که از دست حکومت بلشویکی فرار کرده بودند، در هشتمین به تجارت پرداخته و در رونق آن کوشیدند. در کنار این‌ها تعدادی از کردهای شیعه که

از زمان نادرشاه، در روستاهای مرزی تالش و خلخال اسکان داده شده بودند، با کوچ جمعی به هشتمین و استقرار در محله‌ای به نام کردمحل، توانستند از میزبانی تالشان برخوردار شده و با سخت‌کوشی خود به وضع زندگی بهتری دست یابند. استقرار نظام دیوانسالاری و توسعه‌ی سریع آن در شهر هشتمین، نیاز به نیروی انسانی را افزایش داد و در نتیجه‌ی آن تعداد زیادی با مشاغل کارمندی در ادارات دولتی به هشتمین منتقل شده و چه بسا که در این شهر ماندگار شدند. زایش و پیدایش این شهر نوبنیاد با رویدادهای تاریخی و موقعیت جغرافیایی آن در هم آمیخته و بخشی از جغرافیای تاریخی این شهر را تشکیل می‌دهند. به دلیل همین نوبنیاد بودن تالش، اثر تاریخی قابل توجهی جز همان ساختمان حکومتی سردار امجد در این شهر وجود ندارد، که آن هم در تصرف بسیج است. اما با وجود این فقر تاریخی، اقتصاد شهر شکوفاست و از رونق زیادی برخوردار است. به جرأت می‌توان گفت که شهر خلخال به عنوان شهری در استان اردبیل، بیش از اینکه با شهر اردبیل داد و ستد اقتصادی داشته باشد، با شهرهای هشتمین و اسالم در تعامل قرار دارد. علاوه بر آشنایی گردشگران با تاریخ و دگرگونی‌های زیستی، فعالیتی، اقتصادی و عملکردی‌ای که در طی دوره‌های تاریخی در این شهرستان رخ داده است، جاذبه‌های تاریخی بی‌شماری در شهرستان تالش وجود دارد که برای گردشگران از جذابیت برخوردار خواهد بود؛ جاذبه‌هایی مانند کاخ سردار امجد، قلعه‌ی صلصال در لیسار، حمام قدیمی مریان، مناطق باستانی تول، محوطه‌های تاریخی و باستانی بیشمار مانند محوطه‌ی آتشگاه، محوطه‌ی تندبین و... خانه‌های تاریخی مانند خانه‌ی اقبال السلطان در لیسار و... علاوه بر اماکن تاریخی، آداب و رسوم، بازی‌ها و جشن‌ها، گویش، صنایع دستی و پوشاک مردمان تالش نیز از جمله جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی است که آشنایی با آن‌ها برای گردشگران فرهنگی - تاریخی، می‌تواند بسیار جالب توجه باشد.

نتیجه‌گیری

استان گیلان به عنوان یکی از استان‌های شمالی و گردشگرپذیر ایران مطرح است و آنچه تاکنون با توجه به مشاهدات میدانی، باعث جلب و جذب گردشگر به شهرهای این استان شده است، طبیعت زیبا و منحصر به فرد آن بوده است، در حالی که با توجه به قدمت تاریخی سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی استان گیلان، بسیاری از ظرفیت‌های تاریخی اعم از جاذبه‌ها، آداب، رسوم و فرهنگ، وقایع و یادمان‌های تاریخی و هم‌چنین تاریخ شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های شهری و تغییراتی که به مرور زمان در کالبد و ریخت‌شناسی این شهرها شکل گرفته است، برای بسیاری از گردشگران و حتی مردم بومی گیلان ناشناخته است و نواحی کوهستانی استان گیلان که امروزه جمعیت کمی را به خود اختصاص داده است در نواحی شرقی و غربی گیلان به عنوان اولین مظاهر زندگی یکجانشینی در این استان مطرح بوده‌اند و هنوز بسیاری از گردشگران و حتی مردمان بومی گیلان از جاذبه‌های تاریخی که در این نقاط وجود دارند اطلاع دقیقی ندارند و یکی از مهم‌ترین دلایل آن عدم آشنایی با تاریخ و جغرافیای تاریخی این مناطق است. این پژوهش به بیان جغرافیای تاریخی و ظرفیت‌های گردشگری بخصوص ظرفیت‌های فرهنگی - تاریخی در شهرهای استان گیلان پرداخته تا افراد بومی و هم‌چنین گردشگران فرهنگی - تاریخی با تاریخ این مرز و بوم و جاذبه‌های آن بیشتر آشنا شده و زمینه‌ساز توسعه‌ی این نوع از گردشگری در استان شود، در واقع شهرهای گیلان به طور مستقل می‌توانند به عنوان یک مقصد گردشگری مطرح شوند، به شرط اینکه اماکنی که در آنها رخدادهای تاریخی اتفاق افتاده از منظر جغرافیای تاریخی، شناسایی و معرفی شوند. بدین منظور پنج شهر از شهرهای گیلان که هر کدام از آنها تاریخ و جغرافیای منحصر به خود را دارند انتخاب شده‌اند که این شهرها می‌توانند از منظر جغرافیای تاریخی مورد توجه گردشگران قرار گرفته و با توسعه گردشگری شهری در آنها به رونق اقتصادی شهرها کمک کرده و حتی باعث طولانی‌تر شدن اقامت گردشگران ورودی به استان گیلان شوند. همان‌طوری که پیش‌تر ذکر شد، تاکنون معمولاً گردشگران به دلیل بهره‌مندی از طبیعت استان گیلان چون، کوه، دریا و جنگل که معمولاً خارج از محدوده‌های شهری قرار گرفته‌اند، به این استان سفر می‌کنند و به نظر می‌رسد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی داخل شهرها می‌تواند فرصت خوبی برای توسعه گردشگری شهری با رویکرد فرهنگی - تاریخی در استان گیلان باشد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در دانشگاه پیام نور تهران از آن دفاع شده است.

منابع

- اولثاریوس، آدام. (۱۳۶۳). *سفرنامه‌ی اولثاریوس*. ترجمه‌ی بهپور، احمد، چاپ اول، تهران: انتشارات ابتکار.
- بیک محمدی، حسن. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*. چاپ چهارم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- پرمایه، رحیم؛ رضانی‌پور، مهرداد؛ بزرگمهر، کیا و حقزاد، آمنه. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر توسعه‌ی گردشگری شهر لاهیجان، *فصلنامه‌ی فضای گردشگری*، ۹ (۳۴)، ۴۷-۲۷.
- جهاد دانشگاهی گیلان. (۱۳۸۶). *گزارش طرح جامع آمارگیری گردشگری و سنجش رضایت‌مندی گردشگران استان گیلان*. انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حسینی‌مهر، سیده صدیقه و تبری، الهه. (۱۳۹۰). پژوهشی در فضای گردشگری شهری انزلی با تاکید بر بازاریابی گردشگری، *فصلنامه‌ی چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)*، ۶ (۱۷)، ۱۲۸-۱۱۶.
- حدق‌دوست، هلن. (۱۳۹۶). *بازسازی محله‌های قدیمی شهر رشت، به منظور توسعه‌ی جاذبه‌های گردشگری، مطالعه‌ی موردی: محله‌ی ساغریسازان شهر رشت*. رشت: انتشارات دلکام.
- خاکپور، مینو و کاتب، فاطمه. (۱۳۹۸). هم‌نشینی الگوها در معماری خانه‌های تاریخی، *مورد مطالعاتی: خانه‌ی صادقی (لاهیجان)*. *فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۲۹، ۱۵-۱.
- خودزکو، الکساندر. (۱۳۸۵). *سرزمین گیلان*. ترجمه‌ی سهامی، سیروس، چاپ اول، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- رایینو، یاستن لوئی. (۱۳۹۱). *ولایات دارالمرز گیلان*. ترجمه‌ی جعفر خمایی‌زاده، چاپ ششم، رشت: انتشارات طاعتی.
- رنجبر، محسن و سرور، رحیم. (۱۳۸۶). ماسوله، تجلی کالبدی هماهنگی و همسازی انسان با طبیعت، *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای راهکارهای توسعه از دیدگاه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا*.
- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۹۶). *موضوع‌شناسی جغرافیای تاریخی در قالب یک مدل مفهومی، مجموعه مقالات همایش جغرافیای تاریخی (نخستین همایش گروه جغرافیای تاریخی جهان اسلام)*. (۷۷۱-۷۸۸)، پژوهشکده تاریخ‌اسلام، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۰). *سال‌نامه‌ی آماری استان گیلان*، معاونت آمار و اطلاعات.
- سفردوست، احمد. (۱۳۸۴). *در جست و جوی هویت شهری رشت*، تهران: انتشارات آمیزه‌ی فن و هنر.
- طوبلی، عزیز. (۱۳۷۰). *تاریخ جامع انزلی*. جلد اول، رشت: انتشارات شقایق.
- غنی‌پور تفرشی، مرضیه. (۱۳۹۱). *بررسی تأثیر گردشگری شهری بر اقتصاد شهر، مطالعه‌ی موردی: شهر لاهیجان*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
- فروچی، علی و طالبی، فرامرز. (۱۳۷۷). *ارمنیان گیلان*. چاپ اول، رشت: انتشارات گیلکان.
- قدیری اصل، شیوا. (۱۳۹۴). *جغرافیای تاریخی تالش، همایش ملی تالش شناسی (ص ۱-۱۵)*، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان، رشت، ایران.
- کشوردوست، علیرضا و شکوهی راد، بابک. (۱۳۹۲). *تغییرات کارکردی شهر رشت در گذر زمان*، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه‌ی پایدار، (ص ۱-۱۹). تهران: دانشگاه تهران.
- مهندسین مشاور نقش جهان پارس. (۱۳۹۳). *طرح توسعه و عمران (جامع) بندرانزلی*. جلد اول، گیلان.
- میرابوالقاسمی، محمدتقی. (۱۳۶۹). *گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت*. چاپ اول، رشت: انتشارات هدایت.
- یاسوری، مجید؛ کهنسال، حسن و گراوندی، فریبا. (۱۳۹۰). *نقش تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم در توسعه‌ی گردشگری، مطالعه‌ی موردی: شهرستان رشت*، همایش گردشگری و توسعه‌ی پایدار، همدان.

How to cite this article:

Rahnemai, MT., Musakazemi, SM., Hosseini, SA., & Pourkhodad, B. (2022). Historical Geography of Guilan Cities in Trends of Tourism. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(3), 629-644.

ارجا به این مقاله:

رهنمایی، محمدتقی؛ موسی کاظمی، سید مهدی؛ حسینی، سید علی و پورخداداد، بهناز. (۱۴۰۱). جغرافیای تاریخی شهرهای گیلان از منظر گردشگری. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷ (۳)، ۶۴۴-۶۲۹.